گزارش کوتاه

راه سخت مذاکرات در پرونده هسته‌ای کره شمالی

در سال ۱۳۸۴ چند دور از مذاکرات شش جانبه کره شمالی به منظور پایان دادن به برنامه هسته‌ای پیونگ یانگ بدون نتیجه برگزار شد و با ادامه جنگ لفظی بین دو کشور، کره شمالی آنتوتحریمهای مالی آمریکا را شرط بازگشت به مذاکرات خواند. مذاکرات شش جانبه به منظور خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی ماند. سال ۸۳ باز هم نتیجه‌ای در بر نداشت. کره شمالی پس از این مذاکرات با خصمانه خواندن سیاستهای آمریکا اعلام کرد: تا زمانی که آمریکا از سیاستهای خصمانه خود نسبت به این کشور دست برندارد، از شرکت در دور بعدی این مذاکرات امتناع خواهد کرد. دور جدید مذاکرات در سال ۱۳۸۴، پس از ۱۳ ماه وقفه، ۴ مرداد ۸۴ (۲۶ جولای) در پکن با حضور کشورهای آمریکا، روسیه، ژاپن، چین و دو کره برگزار شد.

مذاکرات شش جانبه در این دور که دور چهارم محسوب می‌شد در حاشیه ماند و این مذاکرات تنها به گفت‌وگوهای دو جانبه آمریکا و کره شمالی محدود شد.

این مذاکرات سیزده روز به طول انجامید. در پایان این مذاکرات سندی رسمی به امضای کشورهای شرکت کننده رسید. چارچوب این توافقنامه حول محور برچیدن تسلیحات هسته‌ای کره شمالی مقابل عادی سازی روابط با آمریکا و ژاپن بود. مهمترین اختلاف نظر کره شمالی با سایر مذاکره کنندگان هسته‌ای بر سر ماهیت تابعه‌ی تأسیسات هسته‌ای کره شمالی بود و موضوع بعدی تعیین جدول زمانبندی برای این مسأله بود. در روز سیزدهم، شش کشور شرکت کننده که در آنات ادامه مذاکرات هسته‌ای بین آمریکا و کره شمالی نتیجه‌ای نخواهد داشت توافق کردند که پس از وقفه‌ای سه هفته‌ای دوباره به مذاکرات بازگردند. پس از جنگ لفظی آمریکا و کره شمالی و وقفه‌ای پنج هفته‌ای، بخش دوم دور چهارم مذاکرات شش جانبه از ۱۳ سپتامبر (۲۲ شهریور) در پکن برگزار شد. این مذاکرات پس از بن بستهای متعادی و پافشاری آمریکا و کره شمالی بر سر مواضع خود هفت روز ادامه یافت.

کره شمالی در آخرین روز (۲۸ شهریور) مذاکرات شش جانبه را توقف تمام برنامه‌های هسته‌ای خود و پیوستن به آن پی تی موافقت کرد.

در این مذاکرات کشورهای کره جنوبی، آمریکا، ژاپن، روسیه و چین مقابل موافقت کره شمالی برای برچیدن تمام برنامه‌های هسته‌ای خود و پیوستن به پیمان جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی (ان پی تی)، نیازهای پیونگ یانگ به نفت و انرژی را تأمین خواهند کرد و در صدد عادی سازی روابط با این کشور خواهند آمد. طبق شروط این توافقنامه، در صورتی که کره شمالی اعتماد بین المللی را به دست آورد، می‌تواند از حق استفاده از برنامه هسته‌ای غیر نظامی برخوردار شود.

طبق این بیانیه مشترک که شش کشور شرکت کننده در مذاکرات شش جانبه صادر کردند، این کشورها توافق کردند، پنجمین دور مذاکرات شش جانبه از اوایل ماه نوامبر (آبان ۸۴) در پکن برگزار کنند. طبق بیانیه مشترک، کشورهای شرکت کننده در مذاکرات شش جانبه توافق کردند که در زمان مناسب درباره فراهم کردن یک راکتور آب سبک برای پیونگ یانگ بحث و گفت‌وگو کنند. آخرین دور مذاکرات شش جانبه در ماه سپتامبر با امضای بیانیه‌ای از سوی کره شمالی مبنی بر توقف تمام برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای در ازای دریافت انرژی و ضمانت‌های امنیتی به پایان رسید. اما پیونگ یانگ پس از آن هشدار داد که تا پیش از تأمین یک راکتور آب سبک به منظور تولید برق از سوی آمریکا اقدام به برچیدن زرادخانه هسته‌ای خود نخواهد کرد. آمریکا نیز در واکنش به این تقاضا اعلام کرد که کره شمالی اول باید خلع سلاح شود. ۱۸ آبان/۹ نوامبر، دور پنجم مذاکرات شش جانبه با ارائه جدول زمانی برای اجرای توافقنامه‌ای که در دور قبلی حاصل شد، آغاز شد. موضوع اصلی دور پنجم مذاکرات شش جانبه، تنظیم جزئیات قوانین، روشها، اقدامات برای اجرای بیانیه مشترکی که در آن اصول تعهد مقابل تعهد، وبرخورد مقابل برخورد درج شده بود. نخستین مرحله از دور پنجم مذاکرات شش جانبه به منظور حل بحران هسته‌ای کره شمالی پس از سه روز بدون دستیابی به نتیجه مثبت در پکن پایان یافت پس از شکست مرحله اول دور پنجم مذاکرات شش جانبه، کره شمالی خواستار لغو تحریمهای مالی آمریکا علیه شرکتهای این کشور شد. آمریکا در ماه سپتامبر هشت شرکت کره شمالی را در لیست سیاه قرار داد و اعلام کرد که این شرکتها در گسترش تسلیحات کشتار جمعی دخالت دارند.

کره شمالی از آمریکا خواست تحریم‌های اعمال شده برضد این کشور را لغو نماید و تأکید کرد ادامه یافتن گفت‌وگوهای چندجانبه بدون لغو کردن این تحریم‌ها امکان پذیر نیست. ۲۰ آذر (۱۱ دسامبر) بخش اول دور پنجم مذاکرات شش جانبه که ماه گذشته در پکن بدون دستیابی به نتیجه‌ای پایان یافت و قرار شد بخش دوم این مذاکرات که هنوز تاریخ مشخصی برای آن تعیین نشده است، برگزار شود. آمریکا با متهم کردن کره شمالی به جعل ارزهای خارجی، پولشویی و گسترش تسلیحات هسته‌ای، تحریم‌های مالی را علیه این کشور اعمال کرده است. واشنگتن می گوید که کره شمالی از جعل اسکناس، پولشویی و قاچاق مواد مخدر برای تأمین بودجه برنامه‌های هسته‌ای خود استفاده می کند. اوایل ژانویه، کره شمالی از تمامی ۵۷ مقام باقیمانده در پروژه راکتور هسته‌ای آب سبک خواست که سایت این پروژه را ترک کرده و وارد سئول شوند. یک آمریکایی و ۵ ژ ش از کارشناسان کره جنوبی وابسته به سازمان توسعه انرژی شبه جزیره کره (KEDO) آخرین افرادی بودند که سایت سینبو در شمال شرقی کره شمالی را ترک کردند. طبق توافقنامه سال ۱۹۹۴ بین کره شمالی و آمریکا درباره توقف برنامه هسته‌ای کره شمالی، یک کنسرسیوم بین المللی برای ساخت دو راکتور آب سبک و تأمین نفت تا زمان راه اندازی این راکتورها فعالیت کرده است پس از اینکه تأیید شد کره شمالی با فعالیتهای سری هسته‌ای خود این توافقنامه را نقض کرده است تأمین سوخت و ساخت این راکتور در اواخر سال ۲۰۰۲ به حال تعلیق درآمد. ۲۶ بهمن (۱۵ فوریه)، سفیر آمریکا در کره جنوبی از کره شمالی خواست نابودی ابزار هایی را که برای جعل دلار آمریکا مورد استفاده قرار می گیرد، ثابت کند. تا این امر به نظرانی درباره توقف فعالیتهای غیر قانونی پیونگ یانگ کمک کند. روز سه شنبه ۷ مارس، مقامات کره شمالی و خزانه داری آمریکا نشستی را درباره تحریم‌های مالی که واشنگتن به خاطر فعالیتهای غیر قانونی علیه پیونگ یانگ اعمال کرد، برگزار کردند. در این نشست که در سطح کارشناسان فنی در نیویورک در حاشیه نشست سازمان ملل برگزار شد، نیز مقامات وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا نیز حضور داشتند. در این نشست کره شمالی، پیشنهادهایی مبنی بر ایجاد یک گروه دو جانبه برای گفت‌وگو درباره اقدامات مالی واشنگتن علیه پیونگ یانگ و اجازه به کره شمالی برای باز کردن حساب در بانکهای آمریکا ارائه داد.

کره شمالی همچنین در این نشست خواستار کاهش موضع آمریکا علیه بانک ماکائو شد. این بانک متهم است که در پولشویی دلارهای تقلبی، قاچاق مواد مخدر و دیگر فعالیتهای غیر قانونی به کره شمالی کمک می کند. بیشتر این پیشنهادها پس از بررسی سازمانهای دولتی آمریکا که در امنیت ملی مشارکت دارند، رد شد. کره شمالی اعلام کرده است تا زمانی که آمریکا تحریم‌های خود را علیه شرکتهایی که مظنون به فعالیتهای غیر قانونی مالی مانند چاپ دلارهای تقلبی در جهت کمک به پیونگ یانگ هستند، لغو نکند، به مذاکرات شش جانبه به منظور خلع سلاح شبه جزیره کره باز نخواهد گشت. هنوز هم با ادامه جنگ لفظی کره شمالی و آمریکا، تاریخی برای دور جدید مذاکرات شش جانبه تعیین نشده است، هر چند که چین بیشتر ماه فوریه را تاریخ دور جدید اعلام کرد.

□جلسه کابینه حماس

انتخابات پارلمانی اسرائیل

خروج شارون از صحنه قدرت

کامبیز توانا

بی گمان مهمترین تحول سال ۱۳۸۴ در مناطق فلسطینی، پیروزی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در انتخابات پارلمانی ۲۵ ژانویه (۵ بهمن) بود که خرسندی ملتهای مسلمان و نومیدی حامیان اسرائیل را به دنبال داشت.

خروج اسرائیل از نوارغزه پس از ۳۸ سال اشغال آن به همراه پیروزی غافلگیر کننده حماس در انتخابات مجلس قانونگذاری فلسطین (پارلمانی) دو رویداد مهمی بود که هر یک به نوبه خود تأثیر شگرفی در تغییر معادلات منطقه ای و جهانی داشت.

خروج نظامیان اسرائیلی از باریکه غزه که می توان از آن به عنوان نخستین موفقیت مقاومت فلسطین پس از سالها مبارزه تعبیر کرد همان اندازه مهم و تأثیر گذار بود که می توانست سرنوشت مناقشه اعراب و اسرائیل را رقم بزند.

خروج ازغزه (۲۵ آگوست ۲۰۰۵) که اسرائیل آن را در اقدامی یکجانبه، اجرا کرد، اگر چه برای افکار عمومی داخل اسرائیل و جهان به عنوان اقدامی صلح جویانه وهمچنین گرفتن مشروعیت مقاومت از دست فلسطینی ها معرفی شد، اما درحوزه معادلات منطقه ای و جهان مفهومی بسیار حیاتی ترو خطرناکتر داشت.

پیش از آغاز این عقب نشینی ها، کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا از برگزاری کنفرانسی بین المللی تحت عنوان «کنفرانس بین المللی عادی سازی روابط اسرائیل با اعراب» خبر داد. این کنفرانس می بایست درنیویورک و با حضور سران تمامی کشورهای عربی و شخصیتهای با نفوذ جهان به پاس اقدام صلح جویانه اسرائیل در عقب نشینی از غزه! برگزار می شد.

ازدیگرسو نشست وزیران دفاع چند کشورعربی نظیر تونس، مغرب، مصر، اردن وبا حضور وزیر جنگ اسرائیل (شائول موفاز) و با نظارت وزیران دفاع کشورهای عضو ناتو در بروکسل بلژیک، حکایت از اقدامی فراگیر جهت حل و فصل مناقشه اعراب و اسرائیل پس از خروج از غزه داشت.

این نشست که بعدها به اعزام افسران عالیرتبه کشورهای عربی برای گذراندن دوره آموزش تخصصی در تل آویو منجر شد، دومین برنامه طرح ریزی شده آمریکا و اسرائیل برای ورود به مرحله جدیدی از تحولات در منطقه خاورمیانه و حتی جهان بود، اما در آخرین اقدام و در واقع در اقدامی تکمیلی برای برنامه های هدفمند غرب جهت تثبیت اسرائیل، پس ازماهها تلاش پیگیر نمایندگان اروپایی و دیگر متحدان آمریکا در سازمان ملل، مجمع عمومی این نهاد بین المللی روز ۲۷ ژانویه (هشت بهمن ماه) هرسال را روز یاد بود هولوکاست خواند!!

این سه اقدام همزمان وهمسو که تحلیلگران ازآن به عنوان «سیاست تهاجمی و فراگیر» آمریکا جهت تثبیت اسرائیل یاد کردند با تغییر سیاست خارجی ایران پس از انتخابات تیر ماه سال ۸۴ در این کشور به نوعی به چالش واقعی کشیده شد.

اظهارات ضد صهیونیستی دکتر محمود احمدی نژاد در محافل مختلف در واقع تمام آنچه را که غرب مد نظر داشت، به مخاطره برد.

مواضع ایران، فعالان عادی سازی روابط اعراب با اسرائیل وتثبیت موجودیت این رژیم را نگران کرد. رسانه های گروهی غرب با پرداختن به مواضع دکتر احمدی نژاد، ایران را به عنوان عنصری مخالف صلح معرفی کردند که با استفاده از واژه های «محو اسرئیل» و «انتقال آن به اروپا» قصد دارد با جهان مبارزه کند.

پرداختن به مواضع رئیس جمهوری ایران و اظهارات ضد صهیونیستی وی به طور یکجانبه در واقع حرکتی بود که می کوشید افکار عمومی جهان را علیه تهران بسیج کند. همچنین ایران را کشوری ضد صلح وامنیت جلوه دهد و این گونه القا می شد که ایران نیت صلح جویانه اسرائیل را در خروج از غزه نادیده می گیرد.

این در حالی است که مواضع جدید ایران واکنشی بود به برنامه هدفمندی که آمریکا قصد داشت با برگزاری کنفرانس بین المللی عادی سازی روابط اعراب با اسرائیل، پیش ببرد. براین اساس مواضع ایران به رغم تبلیغات رسانه های گروهی غرب واکنشی به برنامه ای بود که آمریکا و غرب قصد داشت آن را در قالب پاداش به خروج اسرائیل از غزه اجرایی کند.

به رغم اینها، اما آمریکا بازهم قصد داشت تا دست کم برای بی اثر گذاشتن مواضع ایران در قالب اجلاس اضطراری سازمان کنفرانس اسلامی در مکه به نوعی از اسرائیل به علت خروجش ازغزه قدردانی کند به طوریکه این موضوع در دستور کاراجلاس یاد شده قرار گرفته بود؛ اما رئیس جمهوری ایران به این تلاش واشنگتن با سخنرانی در افتتاحیه اجلاس یاد شده در مورد« انتقال اسرائیل به اروپا به عنوان غرامت بدرفتاری مورد ادعای اروپا به اسرائیل» واکنش نشان داد.

غرب در مقابل کوشید، اظهارات ضد صهیونیستی رئیس جمهوری ایران را در کنار تلاش این کشور برای دستیابی به فناوری دانش هسته ای قرار دهد و اینگونه القا نماید که تلاش ایران برای دستیابی به فناوری هسته ای در واقع تلاشی برای دستیابی به سلاح هسته ای جهت تقابل با غرب و در رأس آن اسرائیل است.

به این ترتیب هدف غرب برای هدایت افکارعمومی جهان تا حدودی محقق می شد. دراین راه ریزش باران اخبار و رویدادهای مختلف در منطقه نیز مزید برعلت شد تا اصل ماجرایی که ایران به آن واکنش نشان داده بود همچنان در سایه خبری بماند.

با این وجود این پایان کار نبود. آمریکا و اسرائیل که بر اساس پیش بینی خود در مورد اجرایی شدن طرح مورد نظر، با حضور حماس در انتخابات پارلمانی مخالفتی نکرده بودند، با پیروزی این جنبش- در فضای جدید منطقه و جهان پس ازمواضع ایران- روبرو شدند. حماس در رقابتی آزاد ۷۴ کرسی پارلمان جدید فلسطین را تصاحب کرد و مأمور تشکیل دولت شد.

> **جامعه جهانی متأسفانه در مورد مسأله فلسطین نگاه دوگانه‌ای دارد و نسبت به خشونت‌های غیر قابل توجیه اسرائیل نسبت به رهبران گروههای جهادی سکوت اختیار کرده است درحالی که در گذشته نسبت به فعالیت های مسلحانه حماس موضع گیری می کردند**

اهمیت این پیروزی از آن روست که حماس نیز از سالها قبل در اصول خود نابودی اسرائیل را اولویت نخست خود قرار داده است. صرف نظر از آن پیروزی غافلگیر کننده حماس در واقع شکست «سیاست سازش» نیز محسوب می شد. سیاستی که در واقع از سه دهه پیش با حمایت جنبش فتح و پشتیبانی مستقیم آمریکا به کار گرفته شده بود. پیروزی حماس اگر چه چالشهایی را نیز به همراه داشت، اما در واقع توانست در کنار مواضع ایران معادلات جدیدی را رقم بزند.

انتخابات پارلمانی فلسطین مفهوم دیگری نیز داشت. نتایج حاصله از صندوقهای رأی، گروهی را تأیید می کرد که در طول به ویژه پنج سال اخیر (انتفاضه الاقصی) طلایه دار مبارزه با اسرائیل بود. این امر روحیه مقاومت را نه تنها در میان مردم فلسطین که در میان مردم منطقه نیز تقویت کرد. این امر برنامه های آمریکا و اسرائیل را که در صدد عادی سازی روابط کشورهای عربی با تل آویو هستند با پیچیدگی های تازه ای روبرو خواهد کرد.

مواضع ضد صهیونیستی رئیس جمهوری ایران درکنارپیروزی حماس، برخی دولتها ی عربی و اسلامی را که درصدد ایجاد ارتباط با اسرائیل بودند، به تردید برد و آنها را در برابر افکار عمومی ملتهایشان قرار داد. از این رو غرب برای مقابله، باید ابزاری می داشت؛ آمریکا از یکسو در سطح جهان برنامه صلح آمیز هسته ای ایران را به شورای امنیت برد و از آن سو حماس نیز تهدید به قطع کمک مالی شد. تا بلکه با اعمال فشار بر این جنبش سه هدف عمده از دید واشنگتن و رژیم تل آویو محقق شود: ۱- به رسمیت شناختن اسرائیل توسط حماس ۲- پذیرش تمام توافقاتی که پیشتر میان تشکیلات خود گردان و اسرائیل به امضا رسیده بود ۳- کنار گذاشتن روشهای مسلحانه. به موازات آن، حماس علاوه بر فشارهای ذکر شده با چالشهای داخلی نیز روبرو شد: ۱- ریاست تشکیلات خودگردان با طرح استراتژیک سازش و اختیارات امنیتی که مجلس قبلی در آخرین روزهای خود به وی داد. ۲- چگونگی تعامل با دستگاههای امنیتی که از رئیس تشکیلات خودگردان دستور می گرفتند. ۳- چگونگی بازنگری در ساختار قدیمی ترین سازمان فلسطینی یعنی سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف).

مواضع ایران و تحولات فلسطین در حالی معادلات جدیدی در منطقه را رقم زد که آریل شارون نخست وزیر نسل جنگهای ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ نیز در پی سکته مغزی از صحنه سیاسی خارج شد و تحولات اسرائیل را با پیچیدگی های زیادی روبرو نمود.

این امر بر چنددستگی احزاب و گروههای اسرائیل افزوده است و آمریکا در سال جدید (۸۵) احتمالاً عمده تمرکز خود را برای انسجام درونی اسرائیل اختصاص خواهد داد.

انتخابات ۲۸ مارس جاری در اسرائیل نیز بی تأثیر از تحولات در سرزمینهای فلسطینی نشین نخواهد بود. هیچ یک از احزاب اسرائیلی از قدرت کاریزماتیکی نسبت به دیگری برخوردار نیستند. ازدیگر سوشکست برنامه های آریل شارون در برقراری امنیت برای جامعه این رژیم آنها را با نوعی سرخوردگی روبرو کرده است.

از این رو هیچ یک از احزاب کادیما، کار و لیکود برنامه امیدوار کننده ای در حوزه امنیت ندارد، زیرا شارون با این همه سوابق جنگی، نتوانست امنیت را بر قرار کند. براین اساس عمده برنامه های احزاب یاد شده در مورد محور امنیتی بیشتر به مسائلی همچون تهدیدات خارجی و حماس و مقابله با آن بر می گردد نه برنامه ای برای بر قراری امنیت وعده داده شده.

به نظر می رسد با توجه به نزدیکی برنامه های احزاب کادیما و کار این دو پس از انتخابات بتوانند به توافقی برای تشکیل یک کابینه ائتلافی دست یابند که در صورت تحقق این ائتلاف باید منتظر دولتی شبیه به آن چیزی بود که شارون یک سال پیش تشکیل داد تا بتواند از زیر بار فشارهای داخلی جهت عقب نشینی از غزه بکاهد. این یعنی تکرار سیاستهای خشونت آمیز توسط سرانی که حالا از نظر قدرت در سایه شخصیت نظامی شارون قرار دارند.

بنابراین با توجه به تحولات و رویدادهای یکسال اخیر درفلسطین هر گونه چشم انداز مثبت در سرزمینهای اشغالی فلسطین بعید به نظر می رسد به ویژه که آمریکا نیز در منطقه با پیچیدگی های عدیده ای در سیاست خارجی اش روبروست. رویکرد تازه حماس به جهان اسلام به عنوان ابزاری برای کاهش فشارهای غرب نیز بر این پیچیدگی ها افزوده است و ضمن آنکه قدرت چانه زنی اش را در برخورد با چالشها افزایش می دهد به همان اندازه روند موسوم به صلح خاورمیانه را از تعریفی که آمریکایی ها دارند، دورتر خواهد کرد.

با این حال حماس درطول نزدیک به دو دهه مبارزه توانست جایگاه بالایی در میان مردم فلسطین و مسلمانان به دست آورد. رویکرد حماس از مبارزه مسلحانه به سمت فاز سیاسی ناشی ازتغییرات و رویکردهای جدید جهانی است. از آنجایی که قدرت های جهانی مسأله فعالیت سیاسی و دوری از مبارزات مسلحانه را تنها راه برون رفت از بحران فعلی می دانند، لذا جنبش حماس با توجه به فضای جدید جهان خود را آماده فعالیت سیاسی کرد.

پیروزی این جنبش در انتخابات پارلمانی و به دست آوردن حداقل ۷۴ کرسی مجلس آینده فلسطین نشانگر جایگاه و وزن سیاسی این جنبش می باشد که افکار عمومی جهان را به خود جلب کرده است. این مسأله از سه بعد قابل بررسی است نخست واکنش جنبش فتح و حکومت خودگردان فلسطین نسبت به پیروزی حماس بود.

اعضای جنبش فتح که خود را وارثان حقیقی مقاومت ملت فلسطین می دانند پس از اینکه حماس توانست بیش از نیمی از کرسی های پارلمان را به دست آورد در برابر این جنبش موضعگیری کرد. تصور اعضای جنبش فتح وحکومت خودگردان فلسطین آن است که حماس در مقوله سیاسی تجربه چندانی ندارد و نمی تواند دست به دولت سازی بزند.

اما حماس بعد از پیروزی در انتخابات پارلمانی پختگی سیاسی خود را ثابت کرد و از طریق یک سلسله دیدارهای مهم با سران کشورهای مختلف جهان توانست فضای تبلیغاتی موجود را بشکند و خود را برای حرکت به سمت تشکیل دولت جدید فلسطینی آماده سازد.

تأکید رهبران حماس بر رد پیشنهاد قدرت های خارجی درمورد به رسمیت شناختن اسرائیل پیش ازعقب نشینی نیروهای صهیونیستی از اراضی اشغالی ۱۹۶۷ نشان می دهد رهبران جنبش حماس تحت تأثیر این پیروزی درخشان قرار نگرفته اند و مسأله و سرنوشت ملت و آینده فلسطین برای آنها مهمتر از حکومت است.

دربعد دیگر، اسرائیل که به شدت از پیروزی چشمگیر حماس در انتخابات پارلمانی غافلگیر شده است سعی کرد تا ازتشکیل دولت فلسطینی به رهبری حماس جلوگیری کند، لذا برخی رهبران اسرائیلی تهدید کرده اند که اعضای دولت آینده فلسطین را ترور خواهند کرد و این یکی از موارد نقض بدیهی ترین حقوق مردم فلسطین از سوی اسرائیل است.

جامعه جهانی متأسفانه در مورد مسأله فلسطین نگاه دوگانه ای دارد و نسبت به خشونت های غیر قابل توجیه اسرائیل نسبت به رهبران گروههای جهادی سکوت اختیار کرده است درحالی که در گذشته نسبت به فعالیت های مسلحانه حماس موضعگیری می کردند.

لذا اسرائیل ازطریق حمله به زندان اریحا و دستگیری تعدادی از رهبران احزاب سیاسی فلسطین تلاش نمود تا اوضاع فلسطین را بیش از پیش متشنج کند، تا راه را برای گسترش دامنه فعالیت های سیاسی جنبش حماس مسدود نماید. مسلماً اسرائیل در آینده به تهاجمات خود علیه رهبران گروههای جهادی ادامه خواهد داد.

فشارهای روز افزون آمریکا واتحادیه اروپا به جنبش حماس برای خلع سلاح و به رسمیت شناختن اسرائیل بخشی از استراتژی آمریکا و غرب نسبت به مسائل خاورمیانه است.

بنابراین آمریکا و اروپا تلاش می کنند تا نوعی حصار در برابر رهبران جنبش حماس ایجاد کنند تا در آینده ضمن خلع سلاح این جنبش از آن به عنوان ژاندارم اسرائیل استفاده کند. لذا حماس برای تشکیل دولت فلسطینی با چالشهای متعددی روبرو است که بدون دستیابی به یک وفاق ملی و تشکیل یک دولت فراگیر و جلب رضایت همه گروههای جهادی امکان موفقیت این جنبش درآینده را بسیار ضعیف خواهد کرد.

از طرفی دیگر انتخابات آینده اسرائیل موجب شده است که موج رقابت تنگاتنگ میان رهبران احزاب لیکود، کار و کادیما به وجود آید. نتانیاهو رئیس حزب لیکود و عمیر پرتز رئیس حزب کار و ایهود اولمرت کفیل نخست وزیر اسرائیل هر یک به سهم خود تلاش می کنند از طریق سر کوب ملت فلسطین خود را به عنوان جانشینان آینده آریل شارون قلمداد کنند تا بدین وسیله آرای جامعه اسرائیل را به دست آورند که در نهایت اولمرت از سوی موشه کاتساف (کاتساو) مأمور تشکیل کابینه جدید شده است.

به هر حال واقعیت این است که مرگ آریل شارون تأثیری درروند صلح خاورمیانه نخواهد داشت، زیرا در اسرائیل همچنان رهبرانی تندروتر از شارون هم وجود دارند.

ایران جمعه
زیر نظر: مهرداد قاسمفر
دبیر هنر: علیرضا عادل
دبیر خانواده: شهرام فرهنگی
دبیر گودک و نوجوان: مانا نیستانی
دبیر اجرایی: علی مصلح حیدرزاده
مدیر هنری: طرح گرافیک: نیاوش قالی
تلفن ایران جمعه: ۸۸۷۹۵۳۵۴
email: iranfriday@icpi.ir
www.iran-newspaper.com